

# گونه گون

ماهنامه

فرهنگی، سیاسی و اجتماعی

سال چهارم - شماره ۴۲ - ژوئیه ۲۰۱۰ - تیر ۱۳۸۹

Gouné Goun

در این شماره می خوانید:

دو قطره خون

ز قید بندگی این بستگان شوند آزاد  
اگر به شوق رهائی زنند بال و پری  
یتیم و پیرزن این قدر خون دل نخورند  
اگر به خانه غارتگری فتد شرری  
به حکم ناحق هر سفله، خلق را نکشند  
اگر ز قتل پدر پریشی کند پسری  
درخت جور و ستم هیچ برگ و بار نداشت  
اگر که دست مجازات می زدش تبری  
سپهر پیر نمی دوخت جامه یداد  
اگر نبود ز صبر و سکوتش آستری  
پروین اعتصامی

- \* یادداشت تیر: غزه محاصره شده ما را آزاد کرده است
- \* نارضایتی کارگران
- \* ۱۳ خرداد مصادف با سالروز اولین انتخابات و تشکیل سندیکای کارگران شرکت واحد
- \* دوره‌هایی از رویارویی طبقاتی بر سر مسئله شکل رابطهٔ محرمانه اینشتین، با آیت الله...!
- \* اسرائیل: مصونیت تا کی؟
- \* نظرخواهی گزارشگران از ماهنامه گونه گون
- \* اجماع بین‌المللی علیه ایران؟
- \* شروعی دیگر: سرها همه بالا!



نویسندگان مسئول مقالات خود هستند

غزه از آن سرفراز بیرون آید، نه آنکه شکسته شده و یا آنکه در محاصره باشد. با محاصره، این اسرائیل است که مشخص میکند چه چیزی قانونی است و چه چیزهایی غیرقانونی است و بعلاوه آنهایی را که برخلاف منافع اش عمل میکنند مجازات میکند. پس این محاصره یک وسیله استراتژیکی است که به اندازه طلا برای او قابل ارزش است. اسرائیل اجازه نخواهد داد که از این حق خودساخته حتی تحت فشار بین‌المللی صرفنظر شود. جنایت واقعی حمله و راهزنی به «کشتی آزادی» نیست، بلکه محاصره برعلیه نوار غزه است. اگر کسی مرتکب چنین جنایت عظیمی میشود از جنایتهای دیگر ابائی ندارد. «کشتی آزادی» موفق شد سکوتی را که با همدستی جامعه بین‌المللی، اعراب و حتی فلسطینی‌ها برای سرپوش گذاشتن بر این محاصره تدارک دیده بودند، بشکند.

بازتاب حمله به کشتی‌های حامل کمک‌های انسانی بوسیله رسانه‌های گروهی مسأله غزه را در ابعاد وسیعتری گسترش داد. روشی که دولت اسرائیل برای جلوگیری از ورود این کشتی‌ها بکار برد بقیه کار را انجام داد و به همه یادآوری نمود که اسرائیل دولتی است که مرتکب جنایات غیرانسانی میشود.

چرخشی که حوادث بخود گرفت ناشی از آن نبود که رویداد حوادث غیرقابل پیش‌بینی باشد. از قبل معلوم بود که چه خواهد گذشت حداقل برای کسانی که نقشه کشیدند و دستور اجرای آنرا دادند، از قبیل نتانیاها، اهود بارک و گابی اشکنازی (رئیس ستاد ارتش). سخنگوی ارتش آوی بنایاهو، دهها بار توضیح داده بود که از نظر اصولی معتقد است که کشتی حامل تروریست و اسلحه است. این برداشت غلط محض است چون این اسرائیل بود که از قبل تصمیم گرفته بود سرنشینان کشتی را تروریست قلمداد کند.

از اینجاست که بقیه ماجرا روشن‌تر میشود. این امر باعث میشود که به نمایندگان کنست (مجلس) اجازه دهد که فعالان سیاسی را همچون تروریست قلمداد کرده و حتی نویسنده این سطور را متهم میکنند که یک تروریست بوده با چاقویی در دستانش!

اسرائیل مایل نیست با تکرار یک پیام خود را خسته کند. بنابراین با جنازه و کشتار هشدار خود را اعلام میکند. دولت یهود نه تنها امیدوار است که تحریم را تحمیل نماید، بلکه تحریمی که کسی زبان به اعتراض از آن نگوید. او امیدوار است، نه تنها

## یادداشت تیر:

### غزه محاصره شده ما را آزاد کرده است

در تاریخ ۳۱ ماه مه ۲۰۱۰ کشتی حامل کمک‌های انسانی که نام صلح و آزادی را بر خود گذاشته بود تا به یاری فلسطینی‌های محاصره شده در غزه توسط دولت اسرائیل که بیش از سه سال است که دوام دارد بشتابد در آب‌های بین‌المللی مورد هجوم و حمله راهزنان دریایی دولت اسرائیل قرار گرفته و ۹ نفر از سرنشینان آن کشته شده، عده‌ای مفقودالثر و تعداد زیادی زخمی بجا گذاشت.

خبر حمله این دزدان دریایی دنیا را از خواب خرگوشی بیدار کرد. بدنبال این حمله ناجوانمردانه، نیروهای مترقی در سراسر جهان روز شنبه به راهپیمایی اعتراض‌آمیز پرداختند. در این تظاهرات اعتراضی شرکت یهودیان مترقی قابل توجه بود.

کشتی حامل کمک‌های انسانی توسط یک سازمان غیردولتی ترک سازماندهی شده و سرنشینان آن شامل تعدادی از نمایندگان پارلمانی اروپائی و نویسندگان و حتی یک نماینده پارلمان اسرائیل بنام هانین زائوبی بودند. خانم زائوبی ماجرای حمله به کشتی صلح را در روزنامه القدس العربی چاپ لندن به روشنی شرح داده و تحلیل روشنگرانه‌ای نسبت به آن دارد.

این واضح و آشکار بود که اسرائیل مانع از پهلو گرفتن کشتی «آزادی و صلح» در سواحل غزه خواهد شد. البته نه باین دلیل که کشتی حامل «تروریست‌ها» بوده یا بخاطر قاچاق اسلحه، بلکه دولت اسرائیل نوار غزه را از اسباب بازی برای بچه‌ها، از دفترچه‌ها و مداد و کاغذ برای کودکان دبستانی و از مواد و مصالح مختلفی که برای ساختمان منازل مسکونی و یا تأمین برق و بعضی از مواد و داروهای درمانی محروم کرد. اگر تصور شود که بخاطر این دلایل ساده بود اشتباه می‌کنیم. دولت اسرائیل تحریم را بر غزه تحمیل نموده است که کسی نتواند آنرا بشکند. او تحریم را قطع نخواهد کرد تا زمانی که بتواند غزه را به زانو درآورد.

اسرائیل می‌خواهد که این سرزمین شکسته شود. چون شکستن و از پا درآوردن این سرزمین سخت است، بنابراین اسرائیل آنرا محاصره کرده است. از آن طرف غزه محاصره را ترجیح میدهد تا شکست و خواری و بزانو درآمدن در مقابل دشمن تا بدندان مسلح. هدف یک مبارزه شایسته و پیروزمند آنست که

## نارضایتی کارگران

**نارضایتی کارگران قرارداد مستقیم ذوب آهن اصفهان و قول مساعد مدیر عامل این کارخانه مبنی بر بررسی خواسته‌های کارگران قرارداد مستقیم**

بنا بر گزارش شورای موقت کارگران ذوب آهن اصفهان که به اتحادیه آزاد کارگران ایران ارسال شده است هفته گذشته در کارخانه ذوب آهن اعلامیه‌هایی پخش شد که کارگران قرارداد مستقیم را به اعتصاب غذا فراخوانده بود. اعتراض این کارگران به اختلاف فاحش حقوق و مزایا با کارگران رسمی و مهم‌تر از آن کاهش حقوق و مزایا پس از تبدیل وضعیت از قرارداد با شرکت‌های پیمانکاری به قرارداد مستقیم با ذوب آهن بود.

در پی این اقدام مدیرعامل ذوب آهن در سرکشی به قسمت‌های مختلف کارخانه با کارگران قرارداد مستقیم به گفتگو نشست و به آنان قول بررسی خواسته‌هایشان را تا آخر اسفند ماه داد. از سوی دیگر به موازات این اقدام حراست و انتظامات کارخانه به گشت‌زنی در کارگاه‌ها پرداختند و در چندین کارگاه در گفتگو با کارگران به تهدید آنان پرداخته و عنوان کردند که قرار نیست کارگران قرارداد مستقیم از حقوق و مزایایی هم سطح با کارگران رسمی برخوردار شوند. آنان از کارگران مسئول غذا که به دریافت و توزیع غذای کارگران شیفیت می‌پردازند نیز خواستند اسامی کارگرانی را که اعتصاب غذا می‌کنند به حراست گزارش دهند. در اقدامی دیگر مسئولان رختکن‌هایی که در آنها اعلامیه توزیع شده بود به حراست احضار شده و تحت فشار قرار گرفتند.

با توجه به قول مساعد مدیرعامل مبنی بر بررسی خواسته‌های این کارگران تا حد زیادی از التهابات کاسته شده و فعلاً آنان منتظرند تا مدیرعامل جدید نتیجه بررسی‌هایش را اعلام کند. لازم به یادآوری است که قرارداد مستقیم بستن با کارگران شرکت‌های پیمانکاری در آستانه انتخابات آغاز شد و امیدهای زیادی را در بین آنان برانگیخت اما در وضعیت جدید حقوق اکثر این کارگران از سی الی صد هزار تومان کاهش یافته و سقف اضافه‌کاری که در شرکت‌ها نامحدود بود به ۴۵ ساعت محدود شده است.

اتحادیه آزاد کارگران ایران  
k.ekhrabi@gmail.com

\*\*\*\*\*

اشغال سرزمین فلسطین را دنبال کند، بلکه این اشغال هیچ توجهی را در دنیا بخود معطوف نسازد. او امیدوار است نه تنها مرتکب اعمال راهزنی و کشتار شود، بلکه اعمالش از نگاه مردم دنیا پوشیده بماند. بدین دلیل در مدت حمله به کشتی امدادی که حدود ۱۲ ساعت بطول انجامید، اسرائیلی‌ها تمام وسایل ارتباطی ما را از کار انداختند و خودشان انحصار خبررسانی را در کنترل گرفتند (همچون جنگ اشغالگرانه آمریکا در عراق).

روایت دولت اسرائیل از وضعیت بر این اتهام استوار گشته که هواداران صلح با بکار بردن چوب، بمب و چاقو زندگی سربازان اسرائیلی را به مخاطره گرفته بودند. در مقابل اطلاعات نادرست بر ماست که روایت خود را بیان داریم. بنظر ما، سؤال این نیست که بدانیم روی کشتی چه گذشته است، این در درجه دوم اهمیت قرار دارد. باید سؤال شود چرا سربازان کشتی را توقیف کردند در حالیکه کشتی در آب‌های بین‌المللی قرار داشت. نباید به اسرائیل اجازه داد که خودش زمانی را که **تاریخ** از آنجا شروع میشود انتخاب و دستکاری نماید.

بعلاوه، اسرائیل مسافران را متهم میکند که با خشونت عکس‌العمل نشان داده‌اند. در مقابل باید این تکبر و خودپسندی اسرائیل را افشا کرد که میخواهد خودش در بالا و دور از دسترس همه قوانین و قراردادهای بین‌المللی قرار گرفته و بتواند به راهزنی و حملاتش ادامه داده بدون آنکه از دماغ هیچیک از سربازانش قطره‌ای خون بیاید! او میخواهد در کشتن و نابودی مردم بینوا آزاد بوده بدون آنکه متحمل ضربه‌ای شود.

نقش «کشتی آزادی» پایان نیافته است. ما باید این ابتکار عمل را در خدمت خود گرفته تا بتوانیم پرونده همه جنایاتی که بوسیله اسرائیل صورت گرفته است بگشائیم.

برای بازگشایی دیدگان عمومی روی این واقعیت که این دولت اعتقاد دارد در بالای همه قوانین بین‌المللی قرار گرفته و میتواند فلسطینی‌ها را براحتی له کند، بکوشیم.

«کشتی آزادی» فقط برای آزاد کردن غزه نیست، بلکه برای آزاد کردن تک تک ماست. چون نوار غزه ما را آزاد میکند، پس مورد محاصره و فشار قرار گرفته است.

حمید باقری

\*\*\*\*\*

## ۱۳ خرداد مصادف با سالروز اولین انتخابات و تشکیل سندیکای کارگران شرکت واحد

ماه‌های اردیبهشت و خرداد ۸۴ از جمله ماه‌های حساس و حیاتی و سرنوشت‌ساز برای رانندگان و کارگران شرکت واحد می‌باشد هر چند که به جرات می‌توان گفت که برای جامعه کارگری هم تعیین کننده بوده. چرا که تا آن زمان هنوز هیچ تشکلی رسماً و مستقل همچون سندیکای شرکت واحد با رای کارگران بدون دخالت دولت و کارفرما شکل نگرفته بود. و این حرکت نقطه عطفی در جامعه کارگری ایران در سی سال گذشته بشمار می‌رود. از آنجائی که عوامل سرکوب کارگران که در قالب خانه کارگر و شوراهای اسلامی کار شرکت واحد به چپاول و غارت کارگران می‌پرداختند وجود تشکلی مستقل چون سندیکای شرکت واحد را نتوانستند تحمل کنند و چون منافع خودشان را در خطر دیدند لذا تصمیم گرفتند با تمام عوامل خود به سندیکای شرکت واحد که در محل حسن آباد تهران هر هفته سه جلسه آموزش قانون کار و بهداشت ایمنی کار و قانون اساسی را به رانندگان و کارگران جهت تقویت آگاهی کارگران آموزش میداد حمله کنند. چرا که در سی سال گذشته هیچ نهادی تا آن زمان به آموزش کارگران نپرداخته بود و این امر باعث افزایش آگاهی کارگران شرکت واحد شد که خود از دستاوردهای بزرگ سندیکا بشمار می‌رود. شوراهای اسلامی به اصطلاح کار و عوامل خانه ضد کارگر با هماهنگی مدیریت شرکت واحد و حراست و اعضای برجسته و قدیمی خود و با حمایت تعدادی چماقدار در ۸۴/۲/۱۹ در روز روشن با یورش به محل سندیکای شرکت واحد به قصد از بین بردن و محو کردن این سندیکای نوپا که در آن زمان هنوز رسماً شکل نگرفته بود حمله‌ور شدند تا شاید بتوانند قبل از تشکیل، این سندیکا را از بین ببرند. یادم می‌آید یکی از چماقدارها که سردسته حمله‌کنندگان بود که در حال حاضر رئیس شوراهای اسلامی کار شرکت واحد است و در ضمن مدیر یکی از قسمت‌های شرکت واحد هم محسوب می‌شود، در زمان حمله به دیگران میگفت یک ساعت وقت دارید هر چه میخواهید بکنید ولی کسی کشته نشود که آنها هم هر کاری خواستند کردند مثل غارت اموال سندیکا و شکستن و کتک زدن اعضای سندیکا و مضراب ساختن رئیس و نایب رئیس سندیکا. هر چند که نیروهای پلیس هم از قبل در محل حضور داشتند ولی فقط نظاره‌گر

بودند و دخالتی نکردند و ما هم شکایتی به دادگاه انقلاب تسلیم کردیم ولی بعد از چند جلسه رسیدگی مختومه شد. این عوامل نه تنها نتوانست جلوی حرکت سندیکای شرکت واحد را بگیرد بلکه باعث رسوائی بیشتر عوامل خانه کارگر و شوراهای ده‌گانه اسلامی کار شرکت واحد شدند و رانندگان و کارگران بیشتری به عضویت سندیکا درآمدند و باعث شد در مورخ ۸۴/۳/۱۳ مجمع عمومی و انتخابات سندیکای شرکت واحد علیرغم تمام فشارها که همگان در جریان هستند شکل بگیرد. هر چند که امروز بیش از ۴ سال از آن زمان می‌گذرد و مسائل و مشکلات بیشماری از قبیل اخراج از کار و زندان و پرونده سازی برای اعضای هیئت مدیره و فعالین سندیکا بوجود آمده و هنوز ۷ نفر از اعضای این سندیکا نتوانستند به سر کار خود باز گردند و با مشکلات سخت اقتصادی و ازهم پاشیدن خانواده مواجه هستند. هر چند منصور اسالو و ابراهیم مددی هنوز در زندان هستند و حتی اجازه مرخصی هم به آنها نمیدهند ولی اعضای این سندیکا هنوز هم محکم و پایدار با توجه به همه فشارها و جوسازی‌ها ایستاده و بر اهداف صنفی خود مصمم هستند. و امروز که ما در بین رانندگان و کارگران هستیم تأثیرات مهم سندیکا را در زندگی رانندگان چه در زمینه اقتصادی و فرهنگی به روشنی مشاهده میکنیم و آستانه تحمل فشارها را چه برای آنانکه در زندان هستند و آنها که هنوز بعد از ۴ سال در راهروهای دیوان عدالت سرگردان هستند و چه آنهایی که سر کار هستند کمتر میکند چرا که سندیکا توانست حقوق بیشماری را برای کارگران شرکت واحد بدست آورد و همانطور که در محل کار شاهد هستیم حتی کسانی که بعد از تولد سندیکای شرکت واحد به استخدام شرکت واحد درآمدند دستاوردها را مدیون پایداری و استقامت سندیکای شرکت واحد میدانند بخاطر اینکه تا قبل از اعتراضات صنفی سندیکای شرکت واحد هیچ کسی کوچکترین توجهی به رانندگان و کارگران زحمت‌کش اتوبوسرانی نداشت و این باعث شده که سندیکا در بین رانندگان و کارگران شرکت واحد از جایگاه ویژه‌ای برخوردار باشد. افتخار ما این است که توانستیم لقمه‌ای نان به سرفسره کارگران شرکت واحد بیاوریم به امید آزادی منصور اسالو و ابراهیم مددی کارگران زندانی دربند. و اینکه دیگر هیچ کارگری برای ایجاد تشکل کارگری و احقاق حقوقش در زندان نباشد.

## دوره‌هایی از رویارویی طبقاتی بر سر مسئله تشکل

تهاجم به حقوق پایه‌ای طبقه کارگر و تلاش برای تنزل سطح معیشت خانواده‌های کارگری هر جا که تشکل‌های کارگری موجود بوده با یورش به آنها و با درهم شکستنشان کلید خورده و هر جا یا هرگاه که تشکلی وجود نداشته سرمایه‌داری با ایجاد فضای رعب و وحشت برای زدودن اندیشه متشکل شدن در میان کارگران به شیوه‌های گوناگون متوسل شده است. ابزار تشکل کارگران که آن را خود ایجاد کرده و در خدمت خود در مقابل کارفرما به کار گرفته‌اند کلید دروازه دژی بوده که برای به دست آوردن حقوق خود در آن نیرو جمع کرده و حفاظت از دست‌آوردهای خود را در آن میسر ساخته است، و کارفرمایان در مقابل برای ورود به آن دژ و چنگ انداختن به اندوخته‌های کارگران در اولین گام اقدام به در دست گرفتن «کلید» یعنی انهدام تشکل‌های کارگران کرده‌اند. در هیچ جای دنیای تحت حاکمیت نظام سرمایه‌داری هیچ تک کارگری نتوانسته به اندک‌ترین حق خود برسد، برعکس دست یافتن به هر حقی از حقوق کارگر در گرو اتحاد و همبستگی جمعی کارگران بوده هرچند ممکن است در بعضی از مبارزات متحدانه آنان تشکل با نام و نشانی هم موجود نبوده، اما اصل مهم و اساسی به سوی ایجاد تشکل یعنی باهم بودن و یک دل و یک سو بودن در میان کارگران زنده و پویا بوده است. اقدام به اعتصاب به خودی خود نشانه روشن و عامه فهمی از با هم بودن کارگران اعتصابی بوده. این مسئله در ایران محدود به دوران بعد از انقلاب نبوده. در سالهای قبل از انقلاب کارگران در بعضی مراکز کارگری مانند صنعت نفت و چاپ و شرکت واحد اتوبوسرانی بعد از مدتها مبارزات متحدانه بر سر مطالبات خود به موضوع دادن شکل ویژه به همبستگیشان و تحمیل به رسمیت شناخته شدن آن به دولت موفق به ایجاد تشکل‌ها و دست یافتن به مواردی از حقوق خود بوسیله قدرت سازمان یافته شدند. در آن دوران نظام سرمایه داری و کارفرمایان، یک آن از بازپس‌گیری دست‌آوردهای تا آن زمان کارگران بویژه درهم شکستن تشکلهایشان غافل نبودند، همزمان با قلع و قمع کردن اتحادیه‌ها، سندیکا و شوراهای کارگران اقدام به ایجاد تشکل‌های زرد کردند تا بتوانند از طریق آن کارگران را از تشکل‌های واقعی خود جدا کرده و در آنچه که خود به عنوان تشکل کارگری برای حفظ منافع کارفرمایان در خدمت گرفته بودند به کنترل خود در آورند. کارفرمایان توانستند خیلی از

تشکل‌های کارگران را درهم بشکنند اما کارگران نیز با وجود سرکوبها و به کارگیری انواع حقه‌ها توسط کارفرمایان و ادارات و وزارتخانه‌های حامی آنان برای خنثی کردن نقش تشکلهای، مدام به مبارزات خود ادامه می دادند. نتیجه آن مبارزات بعد از انقلاب وسیعا به بار نشست. با استفاده از همان تجارب سال ۵۸ کارگران ایران در بعضی از مراکز دیگرهم اقدام به ایجاد شوراهای خود کردند. برای یک دوره کوتاه کارفرمایان توان مقابله جدی با کارگران متشکل را نداشتند تا جایی که هر کارفرما و مدیر کارخانه ای که به بهانه های مختلف می خواست کارخانه را به تعطیلی و ورشکستگی بکشاند و کارگران را بیکار سازد یا کارخانه هائی که صاحبان و مدیرانشان فراری شده بودند خود کارگران مدیریت و اداره کارخانه را به دست می گرفتند و به تولید ادامه می دادند. ادامه آن وضعیت که کارگران تا آن حد جلو آمده بودند و شرایط استثمار شدید برای کارفرمایان را تنگ کرده بودند، برای سرمایه داری ایران قابل تحمل نبود. کارگران متشکل از به تعطیلی کشاندن کارخانه ها و جاری کردن سرمایه ها در بازار و تجارت توسط صاحبانشان جلوگیری می کردند و اجازه نمی دادند صاحبان سودجو با اعلام ورشکستگی هزاران خانواده کارگری را از زندگی ساقط کنند. تنها راه حل سرمایه داری درهم شکستن شوراهای کارگران بود که آن را به عنوان قدم اول در دستور کار قرار داد و تمام توان خود را برای این منظور به کار بست، از هر ابزار سرکوبی استفاده کرد تا شوراها را از دست کارگران ورهبران آنها بگیرد و از محتوای کارگری تهی گردانده، با گماردن افراد وابسته به وزارت کار تشکل‌های واقعی آن زمان کارگران را به تشکل‌هایی کاملا ضد کارگری و مدافع منافع کارفرمایان تبدیل گردد. با بازداشت فعالین شوراها و عقب راندن کارگران متشکل، تشکل‌های تهی شده از محتوای واقعی خود، وظیفه کنترل کارگران را به منظور جلوگیری از اعمال اراده و براه انداختن اعتراضات کارگری به عهده گرفت و خیلی از کارگران که درک و شناخت درستی از وظیفه تشکل‌های کاذب را نداشتند به دنباله رو گردانندگان ضد کارگری آنها تبدیل گشته و نسبت به منافع خود به عنوان کارگر بیگانه شده و به بیراهه کشانیده شدند. اقدام سرمایه داری ایران در عقب راندن کارگران در دفاع از دست آوردهای آن زمان هم خشن و رودررو بود و هم توهم آفرین. فعالین کارگری و کارگران متشکل در تشکل‌های خود را مورد اذیت و آزار و تحت فشارهای مختلف گذاشت و از کار اخراج نمود که به آن ترتیب کارگران به خاطر از دست دادن رهبران

مطالبات انسانی خود بوده اند و هیچ وقت میدان را برای یک تازی کارفرما و عوامل آن خالی نگذاشته اند و در این راه بهاء و تاوانهای زیادی پرداخته اند. از بازداشت و فشار وارد کردن بر فعالین گرفته تا اقدامات کارفرمایان که با کمک شوراهای اسلامی، کارگران معترض و فعالین آنها را با اخراج، کسر حقوق و تهدیدات دیگر مواجه کرده اند همه تاوانهایی هستند که کارگران ایران پرداخته اند. و علاوه بر آن با تبلیغات ضد کارگری، عموم کارگران را از هم سوئی با فعالین خود با تبلیغات واهی مانند وابسته بودن آنها به احزاب و گروههای سیاسی مخالف دولت ترسانده اند.

با گذشت زمان، از یک طرف دست اندازی افسار گسیخته کارفرمایان به معیشت و سلامت و هستی کارگران و از طرف دیگر مقاومت کارگران در مقابل زیاده خواهیهای وحشیانه کارفرما و نقش کارگران آگاه و فعالین کارگری در ایجاد همبستگی و صف مقابله در برابر تعرض کارفرما که در نتیجه آن در بسیاری از اعتراضات و اعتصابات موفقیتهایی از آن کارگران به دست آمده، روحیه اعتماد در بین کارگران روزبروز نسبت به فعالین ورهبران خود بیشتر گشته. تصویر روحیه تمایل به اتحاد و اعتماد به فعالین کارگری در میان کارگران از اوایل دهه ۸۰ بسیار واضح و شفاف تر نمایان شده است. با گذشت بیش از دو دهه سرکوب شدید و ترساندن کارگران از اتحاد و تشکل یابی دهه ۸۰ مقطع تاریخی ای بود که کارگران بعد از سالیان طولانی از مبارزه خود توانستند دریچه ای به سوی امید به بهبودی در زندگیشان را بکشایند. گرچه تا قبل از آن هم کارگران در مراکز و کارخانه های مختلف اعتصابات و اعتراضات مهمی مانند اعتصاب کارگران نفت و نساجیهای مختلف براه انداخته و در مواردی موفقیتهایی نیز کسب کرده بودند، اما اوایل دهه ۸۰ کارگران توانستند شهادت خود را بر ایجاد تشکلهای واقعی کارگری با جدیت و در عمل به نظام سرمایه داری ایران به نمایش بگذارند. سرانجام در سال ۸۳ اولین تشکلهای واقعا کارگری ظهور کردند، هرچند که هنوز هم دولت از ثبت آنها امتناع می کند، ولی کارگران علی رغم فشارها و تهدیدات از سوی کارفرمایان و اطلاعات و حراست کارخانه ها و کارگاهها مبنی بر دوری جستن از تشکلهای مضممانه و با اراده همچنان از تشکلهای خود حمایت می کنند و روزبروز بر تعداد کارگرانی که به عضویت آنها در می آیند افزوده می شود، و این گامی اساسی به جلو بود. اما در مقابل هم کارفرمایان به کمک نیروهای سرکوب و اطلاعات مشغول تلاش برای به عقب راندن

و فعالین تشکلهای خود دیگر قدرت مقابله متحدانه با کارفرمایان را نداشتند و عملا شوراها و دیگر تشکلهای کارگری منحل شدند. اما ماجرا به همان جا ختم نشد بلکه برای جلوگیری از تکرار ایجاد تشکلهای کارگری توسط خود کارگران کارفرمایان با گماردن عوامل خود تشکلهای تسخیر شده کارگران را یا با همان نام و عناوین یا با افزودن عنوانهای دیگری در جهت منافع خود به کار گرفتند.

خانه کارگر که تا قبل از در هم شکسته شدن تشکلهای واقعی کارگران تشکلی کارگری بود به دست نمایندگان کارفرمایان افتاد و با همان نام اما با هدف به بی راهه بردن کارگران در جهت تسهیل سرکوب به فعالیت ادامه داد و شوراهای واقعی نیز از کارگران گرفته به جای آنها شوراهای اسلامی کار که وظیفه ای جز کمک به کارفرمایان در سرکوب و اخراج کارگران مبارز را نداشتند به طبقه کارگر تحمیل شدند.

از آن زمان به بعد کارگران خلع سلاح شده (خلع سلاح شده به معنی محروم گشته از ابزار دفاعی خود یعنی تشکلهای) در برابر هجوم کارفرمایان بسیار ضربه پذیر شدند و هر روز مراکز کارگری صحنه دست درازی کارفرمایان به حقوق کارگران بوده. کوچکترین اعتراض کارگران به شدیدترین شیوه سرکوب می شد. در طول آن دوران بسیاری از دست آوردهای کارگران پس گرفته شدند، ساعات کار طولانی شد، اضافه کاری اجباری گشت، تسهیلات رفاهی کارگران منحل شد و همزمان و به دنبال آن موج اخراجها به راه افتاد، قراردادهای موقت جای استخدام رسمی گرفت و خیلی از مصائب دیگری که گریبان کارگران را گرفت و هنوز هم بر شدت آنها افزوده می شوند. در اجرای تحمیل همه بی حقوقیها به کارگران، شوراهای اسلامی کار و خانه کارگر نقش بسزا داشته اند. هر وقت در میان کارگران کارخانه ها زمزمه ای از دفاع از حقوق خود و مقابله با دست درازی های هر روزه کارفرما به گوش رسیده عوامل شوراهای اسلامی کار بوده اند که بلافاصله به کارفرما خبر داده اند و باعث اخراج کارگران آگاه و معترض شده اند که در نتیجه آن کارفرما توانسته است بقیه کارگران را مرعوب و مطیع کند. اما علی رغم همه آن سرکوبها و فضای سخن چینی هیچ وقت طبقه کارگر ایران به طور عموم مرعوب و تسلیم سیاستهای مرعوب کننده و تلاش کارفرمایان برای ایجاد فضای بی اعتمادی در میان کارگران نشده اند. همیشه بخشی از کارگران آگاه چه در میان و در مراکز کارگری و چه بیرون از آن مشغول فعالیت در جهت متحد کردن کارگران حول

رویاروئی با آنان برایشان سخت تر خواهد شد و ناگزیر باید در مقابل مطالبات کارگران در سطح وسیعتری تسلیم شوند، و این به معنای از دست دادن بخش‌هایی از سودهای کلانی است که فقط از راه استثمار وحشیانه و زدن هر روزه گوشه‌هایی از ابتدائی ترین حقوق کارگران میسر است، بنابراین زور آزمائیهای بین کارگر و کارفرما شدیدتر شده است. کارگران با جدیت خواهان ایجاد تشکلهای واقعی خود هستند و برایش مبارزه می کنند و از آنطرف کارفرمایان به کمک نیروهای انتظامی و اطلاعاتی به شدت سرکوب می کنند و علاوه بر دهن کجی کردن به کارگران در مقابل خواسته های هر روزه آنان مانند پرداخت به موقع حقوق، لغو قراردادهای موقت، تأمین بهداشت و امکانات رفاهی در محیط کار، افزایش حقوق و غیره، بر خواست حق تشکل به طور ویژه متمرکز شده و همچنین به طور ویژه کارگران و فعالینی که توسط اطلاعات به بهانه های گوناگون بازداشت می شوند در رابطه با ارتباطشان با تشکلهای مورد شکنجه و اذیت و آزار قرار می گیرند، ضمن آنکه به خاطر پیگیری مطالبات معیشتی هم از اذیت و آزار در امان نیستند. با حساسیت خاصی کارگران و فعالین بازداشت شده را بازخواست و بازجویی می کنند که وابسته به یکی از تشکلهای موجود هستند! یا از فعالین جدی ایجاد تشکل در محل کار می باشند یا نه؟! و اگر باشند به شدت شکنجه می شوند که یا از تشکلهای بریده شوند یا از ادامه فعالیت برای ایجاد تشکل جدید منصرف شوند. اما باوجود همه فشارها و سرکوبها خوشبختانه کارگران حتی کارگران پروژه ای که به خاطر شرایط ویژه کارشان از نظر اینکه کار پروژه ای مقطعی و کوتاه مدت است و کارگران ناگزیر بعد از مدتی اخراج می شوند و باید به دنبال کار به مراکز و شهرهای دیگر بروند روز بروز دارند به اهمیت سازمانیابی و متشکل شدن در تشکلهای خود بیشتر پی می برند و در محافل و جمعهای خود بر سر آن بحث می کنند. این رویکرد نسبتا وسیع کارگران به اهمیت تشکلهای باید هر چه گسترده تر توسط عموم کارگران آگاه به این ضرورت به میان جمعهای بیشتر برده شود و برای عملی کردن آن گامهای جدی برداشته شود. همانطور که در بعضی کارخانه ها کارگران اقدام به ایجاد تشکل خود کرده اند، اگر هر کارگری می خواهد به خواسته هایش پاسخ داده شود، این موضوع باید به امر فوری او تبدیل شود و آن را در رأس بقیه مطالبات خود قرار دهد.

ایجاد تشکل، پیوستن به تشکلهای موجود و

کارگران بوده اند، در کنار تعرض وحشیانه کارفرمایان به ابتدائی ترین حقوق کارگران، مانند نپرداختن ماهها حقوق، زدن حقوق دیگر مانند حق بن، عیدی و پاداش و مرخصیهای سالیانه، حراست و اطلاعات هم با وسواس تمام به دنبال فعالین و کسانی که در براه انداختن اعتراضات نقش داشته اند گشته و بازداشت کرده که بعد از اذیت و آزار و مدتها نگه داشتن در بازداشت و زندان آنها را اخراج نموده اند.

از زمانی که کارگران و فعالین کارگری دست به کار ایجاد تشکلهای خود شده اند تا کنون هزاران کارگر و رهبر و فعال کارگری توسط اطلاعات بازداشت شده و تحت شکنجه و اذیت و آزار و بی حرمتی قرار گرفته اند. از اعتصاب کارگران واحد که یک شبه بیش از هزار نفر آنان را بازداشت کردند تا کارگرانی که در مراسم روز جهانی کار در شهرهای مختلف بازداشت و زندانی شدند و تا بازداشت کارگران نیشکر هفت تپه، لوله و پروفیل ساوه و لاستیک البرز جرم همه آنها مطالبات کارگری و از جمله خواست حق داشتن تشکل بوده است، و این خود گواه بسیار معتبری است از خواست و تمایل رو به گسترش کارگران به داشتن تشکلهای خود. طی شش، هفت سال گذشته کمتر اعتصاب و اعتراض بزرگ و گسترده ای رخ داده که کارگران بر خواست حق ایجاد تشکل خود پافشاری نکرده و در مقابل تلاش کارفرمایان و اطلاعات برای به عقب راندن کارگران از مطالبه حق داشتن تشکل نسبت به دیگر خواسته های کارگران برجسته تر نبوده است. این دو رویکرد متفاوت از جانب دو طبقه متضاد به تشکلهای کارگری نشانگر اهمیت آنها در مبارزات میان کارگران و کارفرمایان و نقششان در ایجاد توازن قوای جدید است. برای کارگرانی که سابقه اعتراضات و اعتصابات داشته و با اتحاد و همبستگی توانسته اند کارفرما را هر چند به طور مقطعی عقب برانند و بر آوردن بعضی از مطالبات خود را به آنان تحمیل کنند اهمیت متشکل شدن و سازمانیابی در تشکل خود را کاملا درک کرده و به طور جدی متوجه شده اند که با داشتن تشکل می توانند نیروی خود را در مقابل کارفرما متمرکز کرده و با به کارگیری توان منسجم خود رسیدن به خواسته هایشان ممکن تر و آسانتر می شود، حالا دیگر به یکی از خواسته های جدی آنها در هر اعتراضی تبدیل شده است. اما از آن طرف هم کارفرمایان به همان دلیل که برای کارگران تشکل مستقلشان حیاتی است، خطر متشکل شدن کارگران را خیلی جدی تلقی کرده و می دانند که با مسلح شدن کارگران به ابزار تشکل، قدرت

نایب او یعنی مقام معظم رهبری است». و در تکمیل مطلب، اظهارات سردار جعفری، فرمانده کل سپاه را هم که گویی پیشاپیش دورهٔ درس دانش آموختگان طرح ولایت را دیده است؛ بخوانید: «سپاه قبل از نظامی بودن یک سازمان امنیتی، سیاسی است و فلسفهٔ وجودی آن دفاع از انقلاب و دستاوردهای آن است و باید بر اساس تهدیدات روز خود را آماده کند...»

اما، واکنش جامعه به هجوم اشغالگرانهٔ جدید این «خلفی‌ها» (بر وزن «سلفی‌ها»ی سعودی)، نشان می‌دهد که آنها را به چشم اشغالگر مهاجم می‌بیند و نه مقام صالح و مسؤول دینی و از پیش می‌داند که در «انبان» این روضه‌خوان‌ها و معرکه‌گیران «سر قبر آقا» که در سایهٔ قدرت راه دانشگاه‌ها را هم کشف کرده‌اند، چیزی جز لعنت نیست.

برای این که زمینهٔ «اسلامی کردن علوم»، به شیوهٔ حوزهٔ علمیهٔ قم دستگیرتان شود بد نیست خبر «افشاگرانهٔ» سایت «تابناک» را که هفتهٔ اول خرداد، با کلی تمهید امنیتی، آخوندی، منتشر کرده، بخوانید و به شوربختی ملتی که اسیر توطئهٔ درازمدت و مشترک نظام سرمایه‌داری جهانی و حرامیان غارتگر داخلی مانده است، بیشتر بیندیشید. (املاء و انشاء؛ و ابهامات نوشته، مربوط به سایت است) قضیه، به «اسلامی کردن علوم» برمی‌گردد:

ماجرای نامه اینشتین به آیت‌الله بروجردی: آلبرت اینشتین در رساله پایانی عمر خود با عنوان (دی ارکلرونک یعنی بیانیه، که در سال ۱۹۵۴ و ۱۳۳۳ش) آن را در آمریکا و به آلمانی نوشته است اسلام را بر تمامی ادیان جهان ترجیح می‌دهد. و آن را کامل‌ترین و معقول‌ترین دین می‌داند.

این رساله در حقیقت همان نامه‌نگاری محرمانه اینشتین با آیت‌الله العظمی بروجردی است که توسط مترجمین برگزیده شاه ایران و به صورت محرمانه صورت پذیرفته است.

به گزارش جهان اینشتین در این رساله «نظریه نسبیت» خود را با آیاتی از قرآن کریم و احادیثی از نهج البلاغه و بیش از همه بحارالانوار علامهٔ مجلسی که از عربی به انگلیسی و... توسط حمید رضا پهلوی (فوت ۱۳۷۱ش) و... ترجمه و تحت نظر آیت‌الله بروجردی شرح می‌شده تطبیق داده و نوشته که هیچ جا در هیچ مذهبی چنین احادیث پر مغزی یافت نمی‌شود و تنها این مذهب شیعه است که احادیث پیشوایان آن نظریه پیچیده «نسبیت» را ارائه داده ولی اکثر دانشمندان نفهمیده‌اند.

سازمانیابی کارگران در تشکلهای خود امری عاجل و ضروری است.

داشتن تشکل غیر دولتی حق کارگر است، برای ایجاد آن در هر کارخانه و کارگاه به پیش گام برداریم. جوانمیر مرادی

انجمن کارگران برق و فلز کار کرمانشاه

\*\*\*\*\*

## «رونمایی اسلامی کردن علوم: رابطهٔ محرمانهٔ اینشتین، با آیت‌الله..!»

در هفته‌های اخیر، اشغالگران در عرصهٔ فرهنگ کشور، تدارک وسیعی برای «اسلامی» کردن مبانی آموزش، در تمام سطوح — از مهد کودک تا قلمرو علوم و معارف — به نمایش گذاشته‌اند و شاخه‌های مختلف امنیتی رژیم، در تهران و قم (پایتخت اصلی آنها) برای این «اسلامی شدن» شال و قبا کرده‌اند. و به خوبی پیداست که سر نخ تدارک این «انقلاب در انقلاب» فرهنگی در دست‌های آخوند مصباح یزدی و دار و دستهٔ اوست و «رهبر» هم که در ماه‌های اخیر از طرف آنها به «مقام معظم» ارتقاء یافته و نقشی جز تأیید این دار و دستهٔ برخاسته از کودتای انتخاباتی درون رژیم ندارد، گاه گاه ریشی می‌جنباند و به تأیید، خودی نشان می‌دهد.

برای این خدمت درخشان به «اسلام»، همه نوع تدارک آخوندی، دیده‌اند؛ و جا و سهم بنیادها و ارکان فرمانروایی ستاد قم، در اشغالگری تازه، معلوم شده است؛ از سپاه تا بسیج و ارتش طلاب مدرسه ندیده، تا ستاد «ائمهٔ جمعه» و نمایندگان «ولی فقیه» و شارلاتان‌های داوطلب خدمت به پیش بردن برنامهٔ «اسلامی کردن جامعه» در فضای فرهنگی.

روزی نیست که «سران نقشه» و سرداران‌شان برای توجیه هجوم تازهٔ خود زمینه‌چینی نکنند. از مصاحبه با صدا و سیما و کیهان تهران، تا رفتن نظامی‌وار به دانشگاه‌ها و در خطبه‌های نماز جمعه، و تازگی، «اظهار لحنیه» در پایان درس روزانهٔ حوزهٔ علمیه، برای طلاب؛ که همه جا با نمایش حمایت بسیجی‌های ریز و درشت همراهی می‌شود.

به درفشانی آخوند مصباح یزدی، در برنامهٔ دیدار با «دانش آموختگان طرح ولایت» توجه کنید: «انقلاب اسلامی ایران بیش از آن که سیاسی باشد فرهنگی بوده اما هنوز متأسفانه از این لحاظ عقب هستیم. انجام فعالیت‌های فرهنگی در راستای اسلامی موجبات رضایت‌مندی امام زمان را فراهم می‌کند — البته باید بدانیم که یکی از نشانه‌های رضایت آن حضرت، رضایت



چنین شخصیتی — آن هم از نوع یهودی — استفاده نکند!

ترکیب ناهموار اشخاص و موضوع‌های نامتجانس، برای «آب کردن بنجل» دست خط اینشتین، تنها نیست؛ پشت آن هدف‌های دیگر هم نشانه‌گیری شده است؛ یکی از آنها تثبیت ضمنی «بحار الانوار» دائرة المعارف مذهب شیعه (محصول دویست و سی سال علم فروشی خیل عالمان مهاجر جبل عاملی و احسائی به ایران) در مقام یک مرجع علمی آن هم در قیاس با علوم پایه است. در ضمن به علایق مخفی رایج حوزه علمیه هم نظر دارد.

پس از سی سال سرکوب فرهنگی و اجتماعی، دورخیز تازه طراحان کودتای انتخاباتی برای برپایی «انقلاب در انقلاب فرهنگی» در بهترین حالت، چشم اندازی روشن‌تر از افق این «خبر» نمی‌تواند داشته باشد!

و این در سطح عالی است؛ تا در مهد کودک و دبستان و دبیرستان چه خواهد بود؟ برنامه را سپاه و بسیج، روزانه پیش خواهند برد. البته، اگر مردم به اسارت گرفته شده، به آنها فرصت بدهند...

رضا مرزبان

\*\*\*\*\*

### اسرائیل: مصونیت تا کی؟

یورش ارتش اسرائیل به یک ناوگان حامل کمک‌های بشردوستانه به غزه، در سحرگاه ۳۱ مه ۲۰۱۰، احتمالاً بیست کشته داده است. این حمله در آب‌های بین‌المللی صورت گرفته. کشورهای متعدد از جمله در اروپا و نیز دولت فرانسه آن را محکوم کردند. برنارد کوشنر، وزیر خارجه فرانسه، اعلام کرد که «هیچ چیز نمی‌تواند اعمال چنین خشونت‌هایی را که ما آنرا محکوم می‌کنیم، توجیه کند». چند کشور از جمله سوئد، اسپانیا، ترکیه و فرانسه سفیر اسرائیل را فراخواندند. یونان مانور هوایی با اسرائیل را معلق و سفر فرمانده نیروی هوایی اسرائیل را لغو کرد.

طبیعی است که باید از این محکومیت‌ها استقبال کرد. اگر چه هنوز افرادی هستند که عملیات اسرائیل را توجیه می‌کنند. برای مثال، بنا بر گزارش خبرگزاری فرانسه، فردریک لوفور سخنگوی وصف‌ناپذیر حزب «اتحاد برای جنبش مردمی» [UMP] حزب حاکم در فرانسه، م. اظهار داشته که حزب او از مرگ افراد «متأسف» است ولی «تحریکات» کسانی را که خود را دوستان فلسطینیان معرفی می‌کنند «نکوهش می‌کند». یک روز پیش از این عملیات نظامی، برنار هانری لوی

از آن جمله حدیثی است که علامه مجلسی در مورد معراج جسمانی رسول اکرم (ص) نقل می‌کند که هنگام برخاستن از زمین دامن یا پای مبارک پیامبر به ظرف آبی می‌خورد و آن ظرف واژگون می‌شود. اما بعد از اینکه پیامبر اکرم (ص) از معراج جسمانی باز می‌گردند مشاهده می‌کنند که پس از گذشت این همه زمان هنوز آب آن ظرف در حال ریختن روی زمین است... اینشتین این حدیث را از گرانیهاترین بیانات علمی پیشوایان شیعه در زمینه «انساب و نسبیت زمان» دانسته و شرح فیزیکی مفصلی بر آن می‌نویسد... همچنین اینشتین در این کتاب همواره از آیت‌الله بروجردی با احترام و بارها به لفظ «بروجردی بزرگ» یاد کرده و از شادروان پروفیسور حسابی نیز بارها با لفظ «حسابی عزیز»... یاد کرده است.

۳/۰۰۰/۰۰۰ دلار برای خرید این رساله توسط پروفیسور ابراهیم مهدوی (مقیم لندن) با کمک برخی از اعضاء شرکت‌های اتومبیل بنز و فورد و .... از یک عتیقه دار یهودی بوده دست اینشتین در تمامی صفحات این کتابچه توسط خط‌شناسی رایانه‌ای چک شده و تأیید گشته که این رساله را به دست خود نوشته است.

آلبرت اینشتین، آیت‌الله بروجردی، نامه‌نویسی محرمانه، مترجمان برگزیده شاه، حمیدرضا پهلوی، قرآن کریم، احادیث نهج البلاغه، بحار الانوار علامه مجلسی، نظریه نسبیت، «بروجردی بزرگ»، پروفیسور «حسابی عزیز»، پروفیسور ابراهیم مهدوی، عتیقه‌دار یهودی، سه میلیون دلار، تأیید خط‌شناسی رایانه‌ای — که کتابچه خط شخص اینشتین است — و کمک برخی از اعضاء شرکت‌های اتومبیل بنز و فورد و... دست‌مایه‌هایی است تا زمینه یک منبر روضه خوانی، در اثبات معراج پیامبر و سخن گفتنش با خدا، در اوج عرش، و فاصله «قاب قوسین» بر بنیاد تئوری نسبیت، برای شنونده ناآشنا با نام‌ها و نشانه‌ها، بشود. — و شما، در پایان مطلب نمی‌دانید اینشتین معروف در نامه‌نگاری‌های محرمانه به آیت‌الله بروجردی چرا شاه را واسطه کرده بود و نقش حمیدرضا پهلوی در این رابطه چه بود. و مترجمان برگزیده شاه که‌ها بودند. این دست نوشته آلبرت اینشتین، نامه است؟ رساله است؟ کتابچه است؟ و چرا چاپ نشده؟؛ سه میلیون دلار، نرخ کدام دلال رژیم از خدا بی‌خبر اسلامی ایران است. لابد دیر یا زود، باید چشم به راه انتشار این اثر استثنایی آلبرت اینشتین هم بود. چون حیف است که طبقه حاکم مذهبی، از مداحی

سرزمین‌های اشغالی فلسطین، در لوموند دیپلماتیک (مارس ۲۰۰۹) مقاله‌ای نوشت با عنوان «ضرورت بازخواست از مسئولین تجاوز به غزه» (۶). چند ماه بعد، کمیسیون سازمان ملل به ریاست ریچارد گلدستون، قاضی جنوب آفریقائی جمع‌بندی خود را اعلام کرد (۷). گزارش او اسرائیل را بشدت محکوم می‌کرد، هر چند که حماس را نیز نادیده نمی‌گرفت. این گزارش تأیید می‌کرد که ارتش اسرائیل آتش بس را نقض کرده و از جنایات آن پرده برمی‌داشت. گزارش گلدستون گزارش‌های متعددی را که عفو بین‌المللی (۸) و سازمان دیده‌بان حقوق بشر منتشر کرده بودند، تأیید می‌کرد. این گزارش‌ها به اتخاذ هیچ مجازاتی علیه حکومت اسرائیل نیانجامید. یکی از بهانه‌هایی که برای پرده‌پوشی و توجیه بی‌ارادگی پیش کشیده شد، ادعای وجود بررسی‌های جدی در اسرائیل بود. در حالی که شارون ویل، حقوقدان اسرائیلی با استدلال آن را رد می‌کند (لوموند دیپلماتیک، سپتامبر ۲۰۰۹) (۹)، در مقاله‌ای با عنوان «از غزه تا مادرید، ترور حساب شده صلاح شهاده».

از سوی دیگر، در اسرائیل شاهد یورش بی‌سابقه‌ای به سازمان‌های دفاع از حقوق بشر، چه اسرائیلی و چه بین‌المللی هستیم. در این کشور، این سازمان‌ها را، پس از تهدید ایران، حماس و حزب‌الله، مهم‌ترین تهدید استراتژیک علیه دولت تلقی می‌کنند. گروه‌هایی که از سوی حکومت و جناح راست افراطی حمایت می‌شوند، کارزار تمام عیار برای بی‌اعتبار کردن آنان برآه انداخته‌اند. نظیر «مونیتور سازمان‌های غیر دولتی» (۱۰) (NGO-Monitor) که جنگی تبلیغاتی برای توجیه آن چه غیرقابل توجیه است به پیش می‌برد. (به مقاله دومینیک ویدال «دروغ هر چه بزرگ‌تر باشد...» (لوموند دیپلماتیک، فوریه ۲۰۰۹ مراجعه کنید) (۱۱). آیا باید در شگفت بود که سربازان اسرائیلی مددکارانی را که تلاش می‌کنند به غزه آذوقه برسانند، «تروریست» خوانده و چون تروریست‌ها با آنان رفتار کنند؟

آیا مصونیت اسرائیل از مجازات همچنان ادامه خواهد یافت یا برخی دولت‌ها تصمیم دقیقی برای مجازات اسرائیل اتخاذ خواهند کرد تا به دولت اسرائیل (و همچنین مردم آن) بفهمانند که این سیاست، سرکوب و اشغال بهائی دارد که باید بپردازند؟

دولت فرانسه، می‌تواند در چارچوب اتحادیه اروپا به شراکتش پیشنهاد کند تا پیمان همکاری با اسرائیل را به اتکای ماده ۲ معلق کنند. این ماده به صراحت می‌

با غیب‌گویی که از صفات پسندیده بی‌شمار اوست، در تل‌آویو گفت: «من هرگز ارتشی این چنین دموکراتیک ندیده‌ام که این قدر اخلاقی رفتار کند.» (روزنامه هارتس، ۳۱ مه ۲۰۱۰) (۱) یادآوری کنیم که هنگام جنگ غزه، فیلسوف ما بر روی یک تانک اسرائیلی خرامیده بود تا وارد سرزمین اشغالی شود (۲). بنا بر گزارش خبرگزاری فرانسه، لوی حمله امروز را «احمقانه» ارزیابی کرده، زیرا ممکن است وجهه اسرائیل را خدشه‌دار کند. اما، او حتی یک کلمه برای محکومیت یا اظهار تاسف نسبت به کشته شدگان به زبان نیاورد...

تنها پرسشی که امروز مطرح است، تخمین میزان بهائی است که دولت اسرائیل بخاطر این جنایت خواهد پرداخت. چرا که سازمان ملل متحد سال‌هاست ده‌ها قطع‌نامه صادر کرده است (۳) (و اسرائیل آنها را نقض کرده است)، اتحادیه اروپا متون بی‌شماری را به تصویب رسانده که از اسرائیل دعوت می‌کنند تا به حقوق بین‌المللی احترام بگذارد یا حتی به حقوق انسانی، مثلاً با شکستن تحریم غزه. هیچکدام از این مصوبات در عمل به اجرا درنیامده‌اند. برعکس، اتحادیه اروپا و ایالات متحده به اسرائیل پاداش هم می‌دهند.

شاهد این مدعا پذیرش عضویت اسرائیل در «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی» (OCDE) در هفته گذشته و دیدار بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل از فرانسه برای رسمیت بخشیدن به آغاز حضور این کشور است. همان طوری که در اطلاعیه «انجمن همبستگی فرانسه - فلسطین» (AFPS) در تاریخ ۳۰ آوریل ۲۰۱۰ آمده است: «عضویت اسرائیل در سازمان همکاری و توسعه اقتصادی، ضربه‌ای است برای صلح!» (۴) این عضویت به منزله تأیید انضمام کرانه باختری و جولان به «محدوده» اسرائیل است. حمله اسرائیل به ناوگان صلح چند روز پس از آن نشان می‌دهد که این دولت حسن نظر یاد شده را بمنزله چراغ سبزی جهت دست‌یازیدن به هر عملیاتی می‌داند.

در دسامبر ۲۰۰۸، رویداد مشابهی رخ داده بود. در آن هنگام، اتحادیه اروپا تصمیم به «ارتقای» روابط دوجانبه با اسرائیل گرفت (۵). تصمیم یاد شده امتیازاتی به دولت اسرائیل می‌داد که اتحادیه اروپا فقط برای قدرت‌های بزرگ قائل بود. چند روزی از آن رویداد نگذشته بود که تانک‌های اسرائیلی به سرزمین غزه یورش برد و در کمال مصونیت از هر گونه مجازاتی، مرتکب «جنایت‌های جنگی» و حتی «جنایت علیه بشریت» شد.

ریچارد فالک، فرستاده ویژه سازمان ملل به

## نظر خواهی گزارشگران از ماهنامه فرهنگی - سیاسی - اجتماعی گونه گون

سؤال: اعتراضات خیابانی که از نزدیک به یک سال پیش شروع شد امروزه بطور محسوسی فروکش کرده است و یا به تعبیری شکل عوض کرده است و در مناسبت‌های مختلف انجام میپذیرد. بطور کلی و در حال حاضر وضعیت این جنبش عمومی را چگونه ارزیابی میکنید؟

پاسخ: برای پرهیز از خیالپردازی‌های مرسوم، بنظر ما بازنگری صورت مساله خیلی اهمیت دارد. جنس «خراب» خامنه ای و شرکاء، داستان «حکومت نظامی»! ایضا «کودتای احمدی نژاد»! در اینجا مورد بحث ما نیست. خیر، ما با برخوردهای گنگ و مبهم از این دست - با این نگاه «بنی صدری»! نسبت به مسائل اقتصادی و اجتماعی هیچ میانه نداریم. برای پاسخ به سؤال شما، باید دید که چطور استبداد شرعی در کشور ما مستقر شد؟ باید گریزگاههای ممکن اقتصادی رژیم اسلامی را در بستر مالکیت خصوصی، تقسیم کار امپریالیستی و شیوه سرمایه‌داری تولید مرور کرد تا علت اصلاح طلبی و دلیل اصولگرایی رژیم بورژوا - آخوندی ایران را بازیافت. باید برآمد آقایان خاتمی و احمدی نژاد، بازیهای انتخاباتی میراث خواران خمینی معدوم را، لاقلاً از زمان ریاست جمهوری آقای رفسنجانی تا امروز، توضیح داد. از شما چه پنهان که سلاخی مخالفان در لوای استبداد شرعی، خودی و غیر خودی، اصلاً تازگی ندارد، با احمدی نژاد و انتخابات اخیر هم شروع نشد. خیر. ما بشما قول میدهیم، اگر ظرف چند سال آینده هیچ تغییری در آرایش طبقاتی جامعه در سطح ملی و بین‌المللی بسود نیروی کار بوجود نیاید - از آنجا که «بهشت» سرمایه داری اصلاً بسامان نیست و با فرض اینکه تشدید رقابت سلاطین مالی و صنعتی، بورس و تسلیحات و مستغلات و... بر سر کنترل انحصاری تولید و بازرگانی جهان کارش به ماجراجویی نظامی و جنگ نکشد! رژیم ولایتی از این هم جری‌تر خواهد شد. پس اگر اجازه بدهید، ما در مسیری که شرح آن رفت، بهانه بروز وقایع چند ماه پیش در داخل کشور را مورد بحث قرار میدهیم تا به یک زمینه عینی، نسبتاً نزدیک با واقعیت‌های جاری برای ارزیابی این «جنبش عمومی»! در وضعیت امروزی برسیم.

الف - ببینید. استبداد شرعی در کشور ما اصلاً بضرع شمشیر و با مصادره انقلاب همگانی بهمن بسود مالکان و اربابان و سرمایه داران پشت پرده، با همدستی آشکار میان وقفی خوران وطنی از سوئی و شرکت سهامی «جبهه ملی» و بنگاه معاملاتی «حزب توده» گروه

گوید که اسرائیل موظف به حفاظت از حقوق انسانی است. به مقاله ایزابل آوران، «مسامحه اتحادیه اروپا در برابر اسرائیل» در سایت لوموند دیپلماتیک مراجعه کنید. (۱۲)

هم اکنون، فرانسه می تواند بدون این که معطل شرکای اروپائی اش شود، تصمیم مقتضی اتخاذ کند (۱۳)

ابتدا، برای وادار کردن اسرائیل به احترام به حقوق و تصمیمات اتحادیه اروپا، کارزاری برای تعیین مبداء محصولات اسرائیلی وارداتی در فرانسه براه انداخته و واردات محصولات مستعمره های اسرائیلی را ممنوع کند (و نه فقط اختصاص عوارض گمرگی به آن‌ها)؛

سپس، تاکید کند که استقرار شهرک های استعماری در سرزمین های اشغالی غیر قابل قبول است و ساکنان این شهرک ها برای مسافرت به فرانسه به ویزا نیاز دارند. با مراجعه به نشانی داوطلبان سفر به فرانسه این امر عمل ساده ای است؛

سرانجام، فرانسه اعلام کند که شهروندان فرانسه که در اسرائیل به خدمت نظام وظیفه در می آیند، حق خدمت در سرزمین های اشغالی را ندارند. شرکت آنان در عملیات نظامی اشغالگرانه مستوجب تعقیب قضائی شود.

برنارکوشنر، وزیر خارجه اعلام کرد که در میان کشته شدگان در کشتی ها، فرانسوی نبوده است. اما، آیا او مطمئن است که هیچ شهروند فرانسوی در میان مسئولان جنایت وجود ندارد؟

آلن گرش، دوشنبه ۳۱ مه ۲۰۱۰

ترجمه بهروز عارفی

### عنوان اصلی مقاله:

Israël, l'impunité jusqu'à quand ?, Par Alain GRESH, 31 mai 2010

### پاورقی ها:

- 1- <http://www.haaretz.com/news/diplomacy-defense/bernard-henri-levy-i-have-never-seen-an-army-as-democratic-as-the-idf-1.293087?localLinksEnabled=false>
- 2- <http://blog.mondediplo.net/2009-01-10-Liberer-les-Palestiniens-des-mensonges-de-Bernard>
- 3- <http://www.monde-diplomatique.fr/2009/02/A/16775>
- 4- <http://www.palestine-solidarite.org/communiqued.afps.300410.htm>
- 5- <http://ir.mondediplo.com/article1345.html>
- 6- <http://ir.mondediplo.com/article1416.html>
- 7- <http://blog.mondediplo.net/2009-09-16-Gaza-crimes-de-guerre-crimes-contre-l-humanite>
- 8- <http://blog.mondediplo.net/2009-07-05-Le-rapport-d-Amnesty-International-sur-la-guerre>
- 9- <http://ir.mondediplo.com/article1460.html>
- 10- <http://www.ngo-monitor.org/index.php>
- 11- <http://ir.mondediplo.com/article1345.html>
- 12- <http://www.monde-diplomatique.fr/carnet/2009-06-25-UE-Israel>
- 13- <http://blog.mondediplo.net/2010-04-06-Trois-suggestions-a-Bernard-Kouchner>

غائب!» ولی امر میزند.

پ - سؤال شما به حوادث بعد از ۲۲ خرداد ماه سال ۱۳۸۸ خورشیدی داخل کشور، همان وقایع غم انگیزی که در ارتباط با دهمین دور انتخابات ریاست جمهوری رویداد، اشاره دارد - که با تظاهرات مسالمت‌آمیز و محدود جوانان تجریش تهران، بعد از اولین مناظره تلویزیونی میان آقایان محمود احمدی نژاد، رئیس جمهور وقت و هم تنها نامزد «اصول گرایان» از سوئی و میرحسین موسوی، یکی از نامزدهای «اصلاح طلبان» از طرف دیگر، شروع شد. ظاهراً، این تظاهرات شبانه هواداران آقای موسوی در تجریش تهران، با شعار: مناظره تموم شد احمدی بای و... که ساعتها بدرازا کشید، با خشونت آشکار پلیس مواجه نشد. واقعی یا ساختگی! بعد از اعلام نتیجه انتخابات بود که ورق برگشت. اعتراضات خیابانی پی در پی، با شعار: الله اکبر، یا حسین میر حسین و... در تهران و در بعضی شهرهای بزرگ برپا گردید. جمعیت معترض، در رویای نوعی «پاک دینی»! مایوس و سرخورده از نتیجه رسمی دهمین بازی انتخابات ریاست جمهوری در لوای استبداد، به خیابان آمد و دولت وقت را متهم به تقلب در شمارش آرا کرد. بنظر ما، این اتهام حقوقی، بلحاظ عینی و نه براساس خیالات خام دوران منقضی، با توجه به ساختار جعلی خلافت موروثی سوداگران مکتبی - موسوم به «جمهوری اسلامی ایران»! ریشه دار، اصلاً نامربوط نبود و دیدیم که چطور حکومت «حق و عدل قرآن»! طرح آن را برنتافت و خیلی زود عنان از کف داد. اعتراضات خیابانی هواداران آقای موسوی و شرکاء، حول شعار: رای ما رو پس بده... با تحریکات نوبتی دولت از سوئی و حماقت حساب شده رهبر امت بطریق اولی، بالا گرفت و بعد بعنوان اقدامی غیر مجاز! با خشونت حیوانی و سازمان یافته ذوالفقارچی‌های حاضر به یراق رژیم اسلامی روبرو گشت، وحشیانه بخاک و خون کشیده شد. هنوز نمی‌توان، بدلائلی کاملاً قابل فهم، در باره تعداد دقیق قربانیان این کشار چنگیزی میراث خواران خمینی معدوم حرف آخر را زد. معذالک، ما مثل همیشه، ضمن افشای مداوم کثافتکاری‌های سی ساله استبداد شرعی، اختناق و سرکوب مخالفین، توقیف و حبس، ترور و شکنجه و اعدام دگراندیشان، خاصه جنایت آشکار و تهوع آور رژیم ولایتی در این چند ماه گذشته را بشدت محکوم کرده و بسهم خود برای آزادی فوری، بدون قید و شرط همه زندانیان سیاسی در ایران، مذهبی و غیر مذهبی و لامذهب، مبارزه میکنیم. بنظر ما، حوادث

پلیسی «اکثریت» و... با زعامت خمینی معدوم رقم خورد. دوران استقرار سیاسی این رژیم «لاهوئی»! با احتساب جنگ هشت ساله بعثی - امپریالیستی برعلیه ایران، دهسالی بدرازا کشید. تا اینکه به مرحله بازآفرینی خود رسید و با مشکلات عدیده اقتصادی روبرو گردید. داستان مضحک «اقتصاد اسلامی»! پیشکش آقای بنی‌صدر و شرکاء. ولی بلحاظ اقتصادی، استبداد حلال شرعی هیچ چاره ای نداشت جز بازگشت بدوران استبداد حرام سلطنتی. پس میبایست راهی پیدا میکرد تا وارد زدوبندهای بین‌المللی گردد. میدانیم که رژیم اسلامی برای اینکه از طرف دول ریز و درشت سرمایه‌داری، خاصه از طرف امپریالیسم آمریکا و شرکاء برسمیت شناخته شود کلی تلاش کرد - علت اصلاح‌طلبی. در این راستا، تا پایان دوره دوم ریاست جمهوری آقای خاتمی، به تجربه دریافت که سیاست التماس و درخواست در قبال امپریالیسم کارساز نیست. پس تغییر روش داد و بسمت نوعی سیاست تعرضی در منطقه و تبلیغات متقابل در عرصه بین‌المللی متمایل شد - رویکردی که برآمد آقای احمدی نژاد و تشکیل دولت نهم را بدنبال داشت.

ب - رسوائی جورج بوش صغیر در سطح ملی و بین‌المللی، اوج بحران و رکود اقتصادی فراگیر و... اینها که برکسی پوشیده نیست. برای امپریالیسم آمریکا، اسیر کسر بودجه مزمن و کسری بازرگانی فزاینده، با کوهی از بدهی و قرض، تکرار حماقتهای جورج بوش صغیر و شرکاء در اوضاع و احوال جاری مقدور نیست. با این حساب، آشتی‌طلبی اوپاما، صادقانه یا ریاکارانه! نوعی پیروزی برای احمدی نژاد و دولت نهم در قبال شیطان بزرگ بود و بهمین دلیل، بیت ولایت نمی‌خواست به تغییر این مهره سربراه خود در انتخابات دوره دهم رضایت بدهد و نداد. ما چهار ماه و اندی پیش از برگزاری مراسم انتخابات دوره دهم، با توجه به تهدیدهای شفاهی و کتبی اصول‌گرایان و کنایه‌های گزنده و جهندار رهبر امت و... در مقاله‌ای با عنوان «بازی انتخابات در لوای استبداد» در شماره ۲۹ ماهنامه گونه‌گون، یک چنین نتیجه احتمالی را برای انتخابات دوره دهم پیشگوئی کرده و با فرض عناصر مسابقه نهائی، نوشتیم که حضور آقای موسوی در برابر آقای احمدی نژاد بیشتر برای خالی نبودن عریضه است. چون منافع جاری رژیم اسلامی ایجاب میکرد که آقای احمدی نژاد حتما در پست خود ابقا گردد - با تقلب یا «بی»تقلب. فراموش نکنیم که در ایران اسلامی، حرف آخر را، همیشه و در هر موردی - لااقل تا «ظهور مهدی

تصفیه حساب با بسیاری که قبل از آغاز این اعتراضات در بازداشت بسر میبردند. چگونه میتوان کشتار زندانیان سیاسی را متوقف کرد؟

پاسخ: با افشای مداوم کثافتکاریهای سی ساله رژیم بورژوا - آخوندی ایران، پیوند با خانواده های قربانیان و زندانیان و انعکاس نگرانیها و احساس و اندوهشان در میان مردم، با بسیج هر چه بیشتر سندیکاهای کارگری، احزاب و سازمانها و عناصر مترقی در سطح جهان، با تلاش برای فرستادن هیاتی از وکلای دعاوی برای دیدار از زندانها و زندانیان و... بکوشیم تا هر طوری شده رژیم اسلامی را در عرصه وادار به عقب نشینی کنیم.

س: آیا ناگفتهای دارید؟

پاسخ: پیوند با جنبش کارگری، مبارزه سازمان یافته حزبی برای جنگی رویاروی با بورژوازی مکتبی و غیرمکتبی در کشورمان.

با سپاس از شما - گزارشگران  
www.gozareshgar.com

\*\*\*\*\*

### اجماع بین المللی علیه ایران؟

از چند ماه پیش، ایالات متحده و فرانسه به خود میبالند که با اجماع بین المللی توفیق خواهند یافت که در شورای امنیت سازمان ملل متحد مجازاتهایی علیه ایران به تصویب برسانند. باوجود این، به رغم همه تلاشها، تاریخ تصویب این قطعنامه مرتباً به تعویق میافتد. اکنون صحبت از ژوئن ۲۰۱۰ است. اما، شاید این تعویق پی در پی بازتاب نبود اجماع بین المللی باشد، گرچه روسیه به مواضع غرب پیوسته است؟

پرزیدنت لوئیز ایناسیو «لولا» داسیلوا، رئیس جمهوری برزیل، عضو غیردائمی شورای امنیت، قرار است در روزهای ۱۵ و ۱۶ مه از تهران دیدار کند(۱). روز پنجشنبه ۶ مه، لولا پس از ملاقاتی با همتای لبنانیاش میشل سیمون در برازیلیا اظهار داشت: «من شلشو آموریم را به تهران میفرستم. او در استانبول و مسکو توقف خواهد کرد زیرا ما می خواهیم سفرمان را خوب تدارک ببینیم و احتمال رسیدن به توافق میان آژانس بین المللی انرژی اتمی و ایران را ارزیابی کنیم». رئیس جمهوری برزیل بارها با تصویب مجازاتها مخالفت کرده است. بنا بر گزارش سایت تلویزیون «فرانس ۲۴» (۲۴ فوریه) «پرزیدنت لولا خواستار عدم «انزوای» ایران است»(۲).

لولا که به سخنان برنار کوشنر پاسخ میداد گفت: «هیچ کس نمی تواند در مورد سلاحهای هسته ای به من درس بدهد (... هر کشوری سیاست خارجی خودش را

اخیر شورشی بود از روی استیصال. عصیان اقشار میانی جامعه، خاصه بخش مرفه آن در قبال یکی از دسته بندی های هیات حاکمه، که با توجه به رشد مبارزات حرفه ای نیروی کار در سطوح مختلف، با توجه به برآمد محسوس جنبش اجتماعی کارگران در قبال رژیم بورژوا - آخوندی ایران در این سالهای اخیر و... اصلاً مترقی نبود. تجربه نشان داده که عصیانهای از این دست، شورش از روی لاعلاجی، گرچه قابل فهم، اما در نهایت باعث تشدید اختناق در جامعه خواهد شد...

س: آیا خشونت اعمال شده از سوی حاکمان در برابر اعتراضات مسالمت آمیز مردم که منجر به کشته شدن دهها نفر و صدها زخمی و بازداشتی دیگر شده است میبایستی همچنان و همواره با پاسخی مدارا طلبانه روبرو گردد؟

پاسخ: کنش و واکنش یک قانون فیزیکی است و اصلاً نسخه نمی خواهد. باید بر این قانون فیزیکی سوار شد و آن را در مسیر مطلوب بکار گرفت.

س: بنظر شما پاشنه آشیل جمهوری اسلامی کدام است؟ آیا با تمرکز مبارزات مردمی بر نقطه ضعفهای رژیم میتوان نتایج موثرتری حاصل کرد؟

پاسخ: جنبش کارگری، مبارزه سازمان یافته حزبی...

س: کاستی های جنبش خیابانی کدامند؟

پاسخ: جنگ با استبداد در زمین دلخواه استبداد.

س: نقش ایرانیان خارج از کشور در حمایت از مردم را چگونه دیدید؟

پاسخ: نقش ایرانیان مترقی می توانست و باید خیلی بیشتر و گسترده باشد.

س: تاکنون صدها شعار از سوی معترضین به جمهوری اسلامی طرح شده است. کدامیک از شعارها را گویای سطح مبارزات مردمی میدانید؟  
پاسخ: آزادی زندانیان سیاسی.

س: صرف نظر از اینکه شما بعنوان مخاطب این نظرخواهی خود را در محدوده فعالین چپ تعریف میکنید یا نه - جایگاه جنبش چپ را در جنبش عمومی مردم کشورمان چگونه ارزیابی میکنید؟

پاسخ: پیوند موثری با بینوایان کشور، با جنبش کارگری در حال رشد ندارد.

س: طیف رهبری کننده این جنبش را چگونه معرفی میکنید؟

پاسخ: پیوند موثری با بینوایان کشور، با جنبش کارگری در حال رشد ندارد.

س: جمهوری اسلامی در پی اعدام بسیاری از دستگیرشدگان اعتراضات اخیر است و در امتداد آن

خود را نسبت به مجازات‌های احتمالی اعلام کرده یا بر خویش‌داری خود تأکید می‌کنند. قطعی است که لبنان بخاطر شکنندگی تعادل سیاسی‌اش رای به مجازات نخواهد داد. گابون، نیجریه، مکزیک جانب احتیاط را حفظ کرده‌اند. بویژه که این کشورها دارای روابط خوب با جمهوری اسلامی‌اند(۵).

دولت چین با وجود فشارهای گوناگون، ظاهراً جانب خویش‌داری را رعایت می‌کند و در جستجوی کاهش دادن کارائی قطعنامه احتمالی سازمان ملل متحد است. در چنین موقعیتی بنظر می‌رسد که اتحادیه اروپا و ایالات متحده آماده تصویب مجازات‌های یک‌جانبه هستند و شاید بتوان گفت که فرانسه در این مورد نقش پیش‌تاز را بازی می‌کند(۶).

با وجود این، کنگره آمریکا از فعال مایشائی سارکوزی (رئیس جمهوری فرانسه) پیشی گرفته است. در این باره به مقاله رابرت دریفوس در «نیشن»، ۲۸ آوریل ۲۰۱۰ مراجعه کنید(۷). دریفوس که گزارشی در مورد نشست نمایندگان کنگره ارائه می‌دهد، به از حد گذشتن پیشنهادات اشاره دارد.

ایله آنا راس لهتینن نماینده فلوریدا آتشیاری را آغاز و درخواست مجازات‌هائی را کرده است که «جباری بوده و ایران را فلج کند». صحبت‌های او موجب شد که سخنرانان بعدی در زیاده‌روی از او سبقت بگیرند.

سناتور جو لیبرمن اظهار کرد که «ایالات متحده نمی‌تواند به «نیمچه مجازات‌ها» رضایت بدهد و می‌بایست «ظرفیت سیاسی و اقتصادی و در صورت لزوم نظامی‌اش» را ضد «رژیم متعصب» بسیج کند. گاری اکرم اظهار داشت که مجازات‌های فلج‌کننده کافی نبوده و تأکید کرد که جهان باید مجازات‌های «خفقان‌آور» علیه ایران تحمیل کند و حتی اضافه کرد که «موفقیت چنین تلاشی کمتر محتمل است» و بدون تردید، ایران «در کمتر از دو سال دیگر، صاحب سلاح اتمی» خواهد شد. دان برتونف نماینده ایندیانا آس را داغ‌تر کرد و در حالی که دهنش کف کرده بود گفت نظامیان به او گفته‌اند که ایران در کمتر از یک سال دارای بمب اتمی خواهد شد. اضافه کرد «ما باید هر چه ضروری است انجام دهیم تا مانع از دست یافتن ایران به سلاح هسته‌ای شویم. برد شرم‌ناک، نماینده کالیفرنیا با نکوهش از کسانی که فقط مجازات‌های هدفمند پیشنهاد می‌کنند گفت: «مجازات‌های دارای هدف مشخص مؤثر نیستند» ما به «مجازات‌های فلج‌کننده» نیاز مبرم داریم. و ادرویس نماینده کنگره فریاد برآورد که ایالات متحده و متحدانش باید «مجازات‌های

تدوین می‌کند و برزیل به بلوغ خود اعتقاد دارد». پیش‌تر، کوشنر وزیر خارجه فرانسه گفته بود که ایران برزیل را گول زده است(۳).

بموازات آن، ترکیه، دیگر عضو غیردائم شورای امنیت برای یافتن زمینه مذاکره میان ایران و آژانس انرژی اتمی تلاش می‌کند. در نشست سران سوریه، قطر و ترکیه که روز ۹ مه ۲۰۱۰ در دوحه برگزار شد، از تلاش‌های دولت آنکارا حمایت شد.

روز سه‌شنبه، خبرگزاری فرانسه از دوحه گزارش داد که بنا بر نوشته یک روزنامه عربی در همان روز، وزیر امور خارجه ترکیه گفته است: «ترکیه همه توانش را بکار خواهد بست تا از درگیری نظامی میان غرب و ایران جلوگیری کند، اما تهران باید در مورد برنامه هسته‌ای‌اش شفافیت نشان دهد».

احمد داوود اوغلو در مصاحبه‌ای که روز سه‌شنبه در روزنامه الحیات منتشر شد اظهار داشته بود: «ما تا جائی که امکان دارد، هر تلاشی می‌کنیم تا اعتماد میان ایران و ایالات متحده و ایران و غرب برقرار شود تا از درگیری نظامی و مجازات‌های احتمالی جلوگیری شود». او اضافه کرده بود که ایران نیز بنوبه خود باید «تضمین‌های لازم» در مورد صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای‌اش ارائه دهد و «با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی با شفافیت برخورد کند».

آقای داوود اوغلو نسبت به یافتن «راه حلی دیپلماتیک» اظهار خوش‌بینی کرده و خواست تا به تلاش‌ها در این راستا شتاب داده شود. او در جریان گفتگوهایش در ماه آوریل در تهران گفته بود که «در مورد بحران هسته‌ای ایران، پیشرفت‌هائی حاصل شده است».

روز ۹ مه رادیو بین‌المللی فرانسه اعلام کرد که «ایران نسبت به میانجیگری ترکیه و برزیل نظر مساعد دارد»(۴). «رئیس دیپلماسی ایران ایده گفتگوهای جدید با کشورهای غربی در مورد برنامه هسته‌ای ایران را پذیرفته است. احتمال دارد این مذاکرات در ترکیه انجام شود. منوچهر متکی پس از ملاقاتی با همتای ترک خود احمد داوود اوغلو در روز جمعه ۷ مه ۲۰۱۰ اظهار داشت: «این نشست می‌تواند زود برگزار شود».

یکی از پیشنهادات، امکان مبادله سوخت هسته‌ای با غنای ضعیف با سوخت غنی شده ۲۰ درصد در ترکیه است و نه در ایران، آن طوری که ایران پافشاری می‌کرد. بدین ترتیب یکی از خواسته‌های ایران نیز عملی خواهد شد. این کشور مایل نبود سوخت ضعیف خود را به روسیه یا فرانسه ارسال و برای تحویل سوخت غنی شده چند ماه صبر کند.

چند عضو غیردائمی شورای امنیت ملاحظه‌کاری

در روز ۲۲ خرداد هم از خبرهایی که از بقیه شنیدم در تمام محلات در ساعت ۱۰ شب «الله اکبر» سر داده‌اند. صبح روز ۲۲ خیابان‌ها آرام بود. نه تجمعی و نه مأموران امنیتی. یکی گفت: «موسوی و کروبی گفته‌اند که مردم نیان بیرون چون مجوز نداده‌اند و مردم را می‌کشند». دوستی گفت: «کی گفته اونا نظر بدن؟ چه پر رو هستندا! واقعاً فکر کردند که مردم منتظرند ببینند اونا چی می‌گن؟» این آرامش صبح نشان از طوفانی بزرگ در بعد از ظهر را دارد. یکی دیگر گفت قرار است از ساعت ۴ تا ۸ بعد از ظهر شلوغ شود. خلاصه ساعت ۵ میام بیرون. همه خیابان‌های مرکز شهر که پارسال خیلی شلوغ بود و محل درگیری مأموران و مردم، امسال در دو طرف خیابان و در فاصله‌های نزدیک به هم پر از مأمور، گارد ویژه و ماشین‌های مخصوصشان است. خیلی از خیابان‌ها برعکس همیشه که در این ساعت شلوغ است، خلوت است.

به سمت انقلاب می‌روم. به پارک لاله که می‌رسم اوضاع غیرعادی مشهود است. پارک خالی از مردم و مملو از انواع و اقسام نیروها اعم از گارد ویژه، بسیجی و لباس شخصی است. دور تا دور پارک را هم لباس شخصی‌ها احاطه کرده‌اند. به تقاطع امیرآباد و بلوار کشاورز می‌رسیم. در ۴ طرف چهارراه تا چشم کار می‌کند نیرو است. خانمی که به همراه پسرش در اتوبوس نشسته هراسان می‌شود و می‌گوید: «مگه امروز خبریه؟» گفتم: «فعلاً که خبری نبوده، بعداً را نمی‌دانم». گفت: «پسرم خیلی می‌ترسه. در روز عاشورا صحنه‌هایی را دیده که مثلاً با باتوم به سر و صورت مردم زده‌اند و از آن به بعد خیلی می‌ترسه و همش می‌گه من دیگه پلیس‌ها رو دوست ندارم. آدم‌های بدی هستند». می‌گفت: «من بهش گفتم هم پلیس خوب داریم و هم بد. اونا بد بودند». پسر با اشاره به لباس شخصی‌ها از مادرش می‌پرسد که اینا پلیس خوبن یا بد؟ مادر نمی‌داند چه جوابی بدهد و من در فکرم که پسرک چطور تشخیص داد که لباس شخصی‌ها پلیس‌اند؟ شاید از چوب و چماق دستشان یا موتورهایشان. اتوبوس در همین چهارراه ما را پیاده می‌کند و می‌گوید: «نمیشه برم پایین. پایین را بسته‌اند». پس پایین خبری است. خانم مسنی رو به من می‌گوید: «روسریتو بکش پایین! عینکتو از رو سرت بردار! اینا به همه چی گیر می‌دن». گفتم: «خبری نیست که!». می‌گه: «چرا بابا! من ساعت ۴ آزادی بودم بکش بکش بود. مردم رو می‌زدند و می‌بردند». می‌گم: «شعار هم می‌دادند؟» می‌گه: «نمی‌دونم توی ماشین بودم».

هرچه به پایین و به سمت میدان انقلاب می‌روم وضعیت غیرعادی تر می‌شود. مغازه‌ها همه تعطیل است. دو

کمرشکن» تحمیل کنند و سپس اضافه کرد «حتی ممکن است که چنین مجازات‌هایی کافی نباشند.» در خاتمه مقاله دریفوس نتیجه می‌گیرد که «چون مجازات‌ها تغییر موضعی در ایران ببار نخواهند آورد، با مخاطره بزرگی روبروئیم». در آن صورت، آیا تا یک مداخله نظامی پیش خواهند رفت؟

عنوان اصلی مقاله:

Consensus international contre l'Iran? Alain Gresh

نوشته آلن گرش - ترجمه بهروز عارفی

وبلاگ لوموند دیپلماتیک - دوشنبه ۱۰ مه ۲۰۱۰

پاورقی‌ها:

- 1- <http://www.lefigaro.fr/flash-actu/2010/04/23/97001-20100423FILWWW00533-nucleaire-lula-a-teheran-le-16-et-17-mai.php>
- 2 - <http://www.france24.com/fr/20100224-nucleaire-le-president-lula-appelle-a-pas-isoler-liran>  
<http://socio13.wordpress.com/2010/05/09/reponse-de-lula-a-la-france-personne-ne-peut-me-donner-des-lecons-sur-larmement-nucleaire>
- 4 - <http://www.rfi.fr/contenu/20100508-nucleaire-iran-favorable-mediation-turquie-bresil>
- 5 - <http://www.realite-eu.org/site/apps/nlnet/content3.aspx?c=9dJBLLNkGiF&b=2331129&ct=8044211>
- 6 - <http://www.realite-eu.org/site/apps/nlnet/content3.aspx?c=9dJBLLNkGiF&b=2331129&ct=8134317>
- 7- <http://www.thenation.com/blog/crippling-crushing-and-suffocating-iran>

\*\*\*\*\*

### شروعی دیگر: سرها همه بالا! گزارشی از فعالین نشریه دانشجویی بدر

امروز ۲۲ خرداد است. سالگرد خیزش مردم ایران. شب قبل فیلمی مستند در رابطه با «ندا» از شبکه ۳ تلویزیون ایران پخش شد که همه را خشمگین و عصبانی کرد. خلاصه آن این بود که ندا توسط بسیجی‌ها کشته نشده و توسط یکی از عوامل مجاهدین تیر خورده است و آنقدر پیاز داغ این برنامه را به شکل تهوع‌آوری زیاد کرده بودند که خیلی‌ها از دیدن ادامه این نمایش صرفنظر کرده بودند و البته این یکی از هنرهای بارز جمهوری اسلامی است. این برنامه تازه آغاز شده بود که صدای «الله اکبر» و «مرگ بر دیکتاتور!» مردم بلند شد. آنقدر محکم و هماهنگ و منسجم بودند که برای لحظاتی فکر کردم مردم در بیرون هستند و تظاهرات است. تا ۱۵ دقیقه فریادها ادامه داشت. اما بعد از اتمام آن باز هم مطمئن‌تر از قبل یقین پیدا کردم که این خدا نیست که از همه بزرگتر است بلکه این مردم هستند که همه چیزاند و تعیین کننده آخر مردم هستند. کاش مردم هم این را می‌فهمیدند و به آن یقین پیدا می‌کردند.

زمین. کلی خندیدیم؛ وگرنه حوصله موم سر می رفت امروز». پیاده می شوم و برمی گردم. مأموران هنوز هستند. موتوری ها اکثریشان بدون پلاک هستند. از بعضی ها می شنوم که عده ای شعار داده اند و خیلی ها هم دستگیر شده اند. می گویند دانشگاه هم شلوغ بوده و دانشجویان شعار داده اند. اما نمی دانم که این خبرها چقدر موثق است. به هر حال امروز شروعی دوباره بود. در این شروع مردم علی رغم دستگیری ها، شکنجه ها، زندان و اعدام های ماه های گذشته بسیار خوب و جسور ظاهر شدند.

### تک شماره: ۲ اورو

برای مکاتبه با ما میتوانید از آدرس الکترونیکی زیر استفاده کنید

Goun-e-Goun@hotmail.fr

خواننده گرامی،

برای آشنایی با تازه های کتاب به نشانی الکترونیکی زیر مراجعه نمایید:

ketab@ketabfarsi.com

خواننده گرامی، ماهنامه ای که در دست دارید، تریبون آزادی است برای بحث و مناظره سالم در زمینه های ادبی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... که اساس حرکت خود را بر محور روشنگری برای مبارزات ضد استبدادی، ضد استعماری بنا نهاده است.

این نشریه به هیچ گروه و حزبی وابستگی نداشته و از هیچ گرایش خاصی پیروی نمیکند. از همه علاقه مندان دعوت میکنیم از تریبون حاضر برای انعکاس نظرات خود استفاده نمایند.

گونه گون حق آزادی بیان، قلم و اندیشه را محترم شمرده و برای درج مطالب نگارندگان خود محدودیت نظری قائل نیست. همراهی فکری و کمک های مالی دیگر دوستان علاقمند برای پخش گسترده تر آن را با آغوش باز می پذیریم.

برای تهیه گونه گون به آدرس های زیر در پاریس مراجعه شود:

- انتشارات خاوران:

14, Cours de Vincennes, 75012 Paris

کیوسک های روزنامه فروشی:

- 84 rue de Cambronne, 75015 Paris

- 57 rue Passy, 75016 Paris

- 49 Av. Wagram, 75017, Paris

- 44, av. général Leclerc, 75014 Paris

طرف خیابان گاردی ها، بسیجی ها و لباس شخصی ها هستند. اما اینجا مردم را هم می بینم، در دسته های مختلف، خانوادگی و یا دوستانه. همه کنار خیابان نشسته اند. انگار اصلاً مأمورها را نمی بینند. انگار همه با هم آشنا هستند. با نگاه هایی که به هم می کنند، با هم حرف می زنند. موتوری ها دسته دسته گاز می دهند و می روند؛ و می خواهند رعب و وحشت ایجاد کنند. باز هم مثل پارسال مردم از هر سن و سالی حضور دارند. البته باز هم حضور زنان و دختران بسیار مشهود است. از میدان به سمت دانشگاه تهران و ولی عصر می روم. عجب بلبشویی است! مغازه ها تعطیل است. ترافیک شدیدی است. چون راه را بسته اند ترافیک شدیدی درست شده است. اما ترافیک پیاده رو و مردمی که در حال تردد هستند بیشتر است. با آنکه مأمورها در میان مردم می لولند اما در چهره مبارزان خیابان خشم، شادی و شجاعت دیده می شود. **سرها همه بالا است. هیچ کس سر به زیر حرکت نمی کند.** دخترها که در ۲-۳ ماه اخیر به شدت از زاویه حجاب تحت فشار بوده اند با انگیزه های بیشتری به میدان آمده اند. همه با تحقیر و پیروزمندانه به مأمورانی که با موتور در پیاده رو ویراژ می دهند نگاه می کنند. در این بین لباس شخصی ها به بعضی ها گیر می دهند. به پسر جوانی گیر می دهند و او را به کناری می کشند. یکی شان سؤال می کند و یکی دیگر با انگشتش گلویش را فشار می دهد. برای اینکه تحقیرش کنند و همانجوری که آنها می خواهند، حرف بزنند. پیاده روی را ادامه می دهم. در جایی نمی گذارند رد شوم و باید به آن دست خیابان بروم. پمپ بنزین را هم بسته اند. سر یکی از خیابان ها به پسر جوانی که جلوی من راه می رود، گیر می دهند. به این نتیجه رسیدم که نباید تنها بود. چون امروز به آنهایی که تنها هستند، بیشتر گیر می دهند. به چهارراه ولیعصر می رسم و پارک دانشجو هم در قرق مأموران است.

با اتوبوس برمی گردم. مردم در اتوبوس همه حرفشان مأموران هستند. دختر جوانی می گوید: «مگه پارسال که مردم آمدند، چی شد که امسال بشود؟! هیچ فایده ای ندارد». دو تا دختر جوان با پدرشان هستند. یکی شان چادر سر کرده که البته معلوم است اصلاً چادری نیست. خانمی می گوید: «چادرت رو زمین افتاده، خاکی شد». می گوید: «اشکال نداره!» و چادرش را درمی آورد. زن از او می پرسد: «تظاهرات بودی که چادر سر کردی؟» با خنده می گوید: «نه اصلاً!». همه توجهشان به مأموران است و انگار مأموران را که می بینند از اینکه خبری است و یک وضعیت غیرعادی است، خوشحالند. دوستش می گوید: «اما خوب شد بسیجیه جلومون خورد